

چالش چارچوب نظری در اقتصاد اسلامی

seiflou@isu.ac.ir

سجاد سیفلو/ دکتری مدیریت قراردادهای بین الملل نفت و گاز، دانشگاه امام صادق علیه السلام

دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۰۸ - پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۲۹

چکیده

آنچه نظریه علمی را از سایر روش‌های کسب دانش متمایز می‌کند، به کاربردن روش علمی برای دستیابی به دانش است. چارچوب نظری، یکی از مهم‌ترین اجزای یک تحقق علمی است. در اقتصاد اسلامی، چارچوب نظری پذیرفته‌شده عمومی، تقریباً وجود ندارد. فقدان چارچوب نظری برای اقتصاد اسلامی و استفاده از چارچوب‌های اقتصاد متعارف بازی، در زمین اقتصاد متعارف است. در این مقاله، ضمن تبیین روش تحقیق در علوم متعارف و بیان جایگاه چارچوب نظری در آن، چالشی که اقتصاد اسلامی به دلیل قرار گرفتن در آن، توفیق اندکی برای تبدیل شدن به یک رشته و پارادایم علمی داشته، بررسی شده است. برای آزمون تجربی نیز دو مجله «اقتصاد اسلامی» و «مطالعات اقتصاد اسلامی» انتخاب و مورد بررسی قرار گرفته‌اند. هرچند مطالعه موردی ۶۲ مقاله این دو نشریه به صراحت فرضیه تحقیق مبنی بر فقدان چارچوب‌های نظری در تحقیق‌های اقتصاد اسلامی را نمی‌تواند تأیید نماید. ولی بیانگر کاستی‌های اساسی در نحوه کاربست چارچوب نظری، در تحقیق‌های مربوط به اقتصاد اسلامی است. کمتر از یک چهارم مقاله‌هایی که دارای چارچوب نظری تصریح شده بودند، مبتنی بر چارچوب‌های نظری اسلامی بودند.

کلیدواژه‌ها: روش تحقیق، چارچوب نظری، اقتصاد اسلامی، مطالعه موردی، پارادایم علمی.

احساس نیاز به اقتصاد اسلامی، به عنوان نرم‌افزار مدیریت اقتصادی جامعه اسلامی، به دلیل سابقه اندک حکومت‌های سیاسی با تفکر دینی در عصر مدرن، چندان گذشته طولانی‌ای ندارد. شاید اصلی‌ترین علت عدم توسعه این رشته، بازگشت به این نکته باشد که دانشمندان علوم دینی و حتی متولیان اداره جامعه، به‌صورت جدی با سؤال و دغدغه اداره شؤون اقتصادی بر اساس نظر اسلام، به‌صورت یک نظام اقتصادی و در قالب یک حکومت دینی مواجه نبوده‌اند. کشورهای مسلمان نیز به دلیل نوعی تفکیک در ساختار قدرت، حرکت جدی به سمت اقتصاد اسلامی را در برنامه خود نداشتند. اندیشه اقتصاد اسلامی، هم اکنون به عنوان یک موضوع مورد توجه اقتصاددانان مسلمان و غیرمسلمان قرار گرفته است. ادبیات اقتصاد اسلامی، در اوایل قرن بیستم به شدت مورد توجه قرار گرفت و گسترش یافت. مهم‌ترین دلایل این توجه به اقتصاد اسلامی عبارت بود از:

۱. استقلال کشورهای اسلامی، پاکستان در ۱۹۴۷، اندونزی در ۱۹۴۵ و الجزایر، تونس و سایر کشورها در این دهه، که از استعمار کهنه نجات پیدا کرده، و تنظیم اقتصاد خویش را برعهده گرفتند.
 ۲. در این دوران، جهان به بلوک غرب و شرق تقسیم شده بود. بلوک شرق به رهبری شوروی، آموزه‌های مارکس را تبلیغ می‌کرد. عالمان دینی نیز با مراجعه به اندیشه‌های مارکس، دریافته‌اند که ایده‌های وی مخالف دین و اسلام بوده و پذیرفتن الگوهای کمونیستی، مستلزم دست کشیدن از دین و آئین اسلام می‌باشد.
 ۳. کشورهای غربی که دارای نظام سرمایه داری بودند، درگیر بحران بزرگ ۱۹۲۹ شدند. میزان بیکاری بسیار افزایش یافته، کارخانجات ورشکسته شده و اقتصاد سرمایه‌داری، درگیر رکودی شدند که توانایی تفسیر و برون رفت از آن را نداشتند. علمای دین، الگوبرداری از نظام سرمایه داری را نیز نمی‌تافتند؛ زیرا علاوه بر وجود بحران، دارای نهادهای ربوی بودند که صریحاً مورد نهی اسلام بود.
- با توجه به این سه حادثه، توجه اندیشمندان به اقتصاد مبتنی بر تعالیم اسلام جلب می‌شد؛ به ویژه وجود سابقه تمدن اسلامی در قرون اولیه را دلیل روشنی بر عملی شدن آن می‌یافتند.
- شاید انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، مهم‌ترین عامل تحریک و ایجاد احساس نیاز به یک نظام اقتصادی مبتنی بر اسلام، در سطح جهان باشد. با طرح دغدغه اداره دینی جامعه در ایران، تلاش‌های علمی و عملی از سوی سایر کشورهای مسلمان و فرق اسلامی، قوت بیشتری گرفت. با اینکه برخی صاحب‌نظران، این تلاش‌ها و محاولات را پاسخی سیاسی به انقلاب اسلامی ایران تعبیر می‌کنند، ولی با این حال، نمی‌توان نقش دانشمندان شیعه و انقلاب اسلامی ایران را در توسعه اقتصاد اسلامی نادیده انگاشت و بر نقش برجسته آن، در فراهم کردن زمینه ایجاد سؤال و طرح نیاز در بین مسلمانان صحنه نگذاشت.

هرچند تلاش‌های صورت گرفته در توسعه اقتصاد اسلامی، به رغم پیشینه اندک آن، چشمگیر و قابل توجه بوده است، ولی به نظر می‌رسد هنوز با وجود میزان قابل توجهی از تحقیقات و نوشته‌های علمی اختصاص یافته به این حوزه، اقتصاد اسلامی نتوانسته است به یک پارادایم و حتی رشته علمی تبدیل شود.

طرح مسئله

روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، در طول سه دهه اخیر دگرگونی‌های بنیانی حاصل کرده است. این تغییرات، به دلیل یک جریان تکامل تدریجی بود که در زمینه علوم اجتماعی در اروپا و نهضت علوم رفتاری در آمریکا به وقوع پیوست. روند مزبور، تلاش فزاینده‌ای در دانشگاه‌ها در جهت به کار بردن منطق علمی و روش‌های مقداری به دنبال داشت. در نتیجه، کاربرد این فنون کمی در رشته‌های مختلف علوم اجتماعی، به‌طور کامل توسعه نیافته است. حاصل تلاش‌های مزبور، موجب شد که تمام رشته‌های علوم اجتماعی به فواید تجزیه و تحلیل منظم وقوف یابند و تکنیک‌های متعددی را در تجزیه و تحلیل اطلاعات ابداع کنند (ایران نژاد پاریزی، ۱۳۸۲، ص ۱). دستیابی به دانش با روش تحقیق آن، به عنوان علم تلقی می‌شود. آنچه نظریه علمی را از سایر روش‌های کسب دانش متمایز می‌کند، به کار بردن روش علمی، برای دستیابی به دانش است (همان، ص ۱۸). چارچوب نظری، یکی از مهم‌ترین اجزای یک تحقیق علمی امروزی است. چارچوب نظری، یا چارچوب مفهومی، که کم و بیش مترادفند، همچون دریچه است که محقق از آن منظر، به پدیده مورد بررسی نگاه می‌کند. وجود کلمه چارچوب (Framework) در این ترکیب، برگرفته از همین واقعیت است. گویی محقق در ابتدای مطالعه خود، لنز مشخصی را انتخاب کرده، بر اساس آن به پدیده مورد نظر می‌نگرد و بر اساس آن داوری می‌کند. بر این اساس، به آن «چارچوب مرجع» (Frame of Reference) نیز می‌گویند. در اقتصاد اسلامی، چارچوب نظری پذیرفته شده عمومی، تقریباً وجود ندارد و اساساً چارچوب نظری، که در واقع توضیح و تبیین اجزا و روابط می‌باشد، فارغ از پذیرش یا عدم پذیرش، بسیار اندک هست. در اغلب تحقیقات، اقتصاد اسلامی از چارچوب‌های نظری اقتصاد متعارف استفاده می‌شود.

فقدان چارچوب نظری برای اقتصاد اسلامی و استفاده از چارچوب‌های اقتصاد متعارف، به معنی بازی در زمین دیگری است. اگر این نکته پذیرفته شود که اقتصاد اسلامی، غیر از اقتصاد متعارف و یا سایر نظام‌های اقتصادی است و از جهات گوناگون با آنها متفاوت است، نداشتن چارچوب‌های نظری و روش‌های مناسب، بزرگترین آسیب اقتصاد اسلامی است؛ چراکه همه تلاش‌هایی که در خصوص اقتصاد اسلامی انجام می‌شود، به جای این که منجر به توسعه آن شود، در توسعه و تقویت اقتصاد متعارف خرج می‌شود. این انتظار، که بر اساس قواعد بازی و روش بازی فوتبال بتوان کشتی گرفت، به نظر منطقی نمی‌رسد.

اصولاً علوم اجتماعی، که نظام‌های مختلف علمی را در بر می‌گیرد، به دو قسمت اصلی استوار است: تئوری و تحقیق تجربی. به عبارت دیگر، دانشمندان علوم اجتماعی برای تحقیق در دو دنیای مختلف عمل می‌کنند. یکی، دنیای اندیشه‌ها (تئوری‌ها و مدل‌ها) و دیگری، دنیای مشاهده و تجربه (ایران نژاد پاریزی، ۱۳۸۲، ص ۴۱). اقتصاد اسلامی، با جایگزینی و انتخاب چارچوب‌های نظری اقتصاد متعارف، به جای توسعه چارچوب‌های نظری بومی آن، در چرخه‌ای گرفتار است که همه تلاش‌هایی که خالصانه برای توسعه اقتصاد اسلامی صورت می‌گیرد، به راحتی با استفاده از سازوکارهای روش تحقیق و پژوهش به نفع جریان رایج علم، مصادره می‌شود.

از این‌رو، در این مقاله ضمن تبیین روش تحقیق در علوم متعارف و بیان جایگاه چارچوب نظری در آن، چالشی که اقتصاد اسلامی به دلیل قرار گرفتن در آن، توفیق اندکی برای تبدیل شدن به یک رشته و پارادایم علمی داشته، بررسی شده است. برای آزمون تجربی نیز دو مجله اقتصاد اسلامی و مطالعات اقتصاد اسلامی، به عنوان مطالعه موردی انتخاب و مقاله‌های مربوط به پنج شماره آخر مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

پیشینه تحقیق

روش‌شناسی اقتصاد اسلامی، حوزه وسیعی دارد و تحقیق‌های داخلی نیز به صورت گسترده‌ای به آن پرداخته‌اند. برخی تحقیق‌های خارجی نیز توسط اندیشمندان مسلمان، در این خصوص وجود دارد. مهم‌ترین تحقیق‌های مرتبط با موضوع این تحقیق، در ادامه مورد اشاره قرار گرفته‌اند.

آقائیزی (۱۳۸۸)، در مقاله «روش‌شناسی شهید صدر درباره شکل‌گیری علم اقتصاد اسلامی و تحقیق نهایی درباره آن»، شکل‌گیری علم اقتصاد اسلامی را چالش اساسی اقتصاد اسلامی معرفی نموده، دو راه حل برای حل این چالش اساسی اقتصاد اسلامی از نظر شهید صدر مطرح کرده است.

راه حل اول: اصول قطعی مکتب اقتصاد اسلامی، با فرض تحقق آنها، پیامدهایی در ساحت اقتصاد به دنبال دارد. تحلیل علمی این پیامدها، زمینه پیدایی نظریات علمی اقتصاد اسلامی است.

راه حل دوم: اگر به اقتصاد اسلامی در روابط اقتصادی جامعه عمل شود، رویدادهای عینی اقتصادی به دنبال دارد. اقتصاددانان، به تحلیل این رویدادهای عینی می‌پردازد و در نهایت، علم اقتصاد شکل می‌گیرد.

در این تحقیق، با اشاره به اینکه شهید صدر راه حل دوم را ترجیح داده، در صدد بیان کند این ترجیح، متأثر از دیدگاه شهید صدر درباره وظیفه و هدف علم اقتصاد است. در این مقاله، این دیدگاه بررسی و در پایان، این جمع بندی ارائه شده است که علم اقتصاد اسلامی وجود ندارد، ولی اقتصاددان عالم به معرفت اقتصاد اسلامی، می‌تواند آن را بر اساس روش‌شناسی متعارف در علوم اجتماعی-اقتصادی، به گونه‌ای تدوین کند که از یک سو، نظریات آن تجربه‌پذیر و با شواهد تجربی و استنتاج‌های آماری قابلیت تأییدپذیری داشته باشند. از سوی دیگر،

فرض بر این است که جایگاه متغیر مستقل یا تابع، از نظر آموزه‌های اسلامی مشخص شده است. این آموزه‌های اسلامی، به آن دو یا دست کم یکی از آن دو، بینش خود را دارند. از این رو، می‌توان نظریه را به اسلام استناد داد. این استناد، عنوانی لفظی یا مجازی نیست، بلکه به طور منطقی صحیح است؛ چون دید اسلامی به دو عنصر متغیر مستقل و تابع، یا به یکی از آن دو، به طور فنی و پذیرفتنی تبیین شده است.

امیری طهرانی‌زاده و افروغ (۱۳۹۳)، در مقاله خود تحت عنوان «نقد روش‌شناسی اقتصاد اسلامی شهید صدر از دیدگاه واقع‌گرایی انتقادی»، با توجه به قابلیت‌های رویکرد واقع‌گرایی انتقادی، میزان سازگاری آن با روش‌شناسی اقتصاد اسلامی شهید سید محمدباقر صدر، را به روش تحلیلی نقد و ارزیابی کرده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که واقع‌گرایی انتقادی، از این ظرفیت برخوردار است که مقولات روش‌شناختی شهید صدر همچون اصول، کشف، روبنا و زیربنا، واقعی بودن، اخلاقی بودن، عقیده، مفهوم، و عاطفه را توجیه کند.

رستم‌نژاد و حسینی کوهساری (۱۳۸۸)، در مقاله خود با عنوان «روش‌شناسی مطالعات اقتصاد اسلامی با تأکید بر مطالعات قرآنی»، با اشاره به اینکه پرداختن به روش‌شناسی، بدون توجه به برخی اصول و مبانی بنیادین مطالعات اقتصاد اسلامی، تلاشی ناتمام است و عمق و دقت لازم را ندارد. توجه به اصولی همچون «لزوم تناسب روش‌ها با اهداف، مبانی و اصول اقتصاد اسلامی، لزوم تناسب هدف مشروع با روش مشروع، خصوصیت چند روشی در اقتصاد اسلامی» و عنایت به مبانی، از قبیل «وجود امور ثابت و متغیر در اقتصاد اسلامی، وجود اوامر ارشادی و مولوی، تأثیر زمان و مکان در اقتصاد، تأثیر گستره مذهب بر اقتصاد اسلامی، تأثیر عقل در استنباط قوانین اقتصادی و وجود عناصر موقعیتی و جهان‌شمول» را در قوام و عمق بخشی به مباحث روش‌شناسی اجتناب‌ناپذیر می‌داند.

معرفی محمدی (۱۳۹۳) در مقاله «روش‌شناسی شهید صدر در اقتصاد اسلامی؛ از نگاهی دیگر»، با روش تحلیلی به تبیین منطق استدلال در روش شهید صدر پرداخته است. بنا به فرضیه مقاله، شهید صدر، به دنبال استفاده از منطق متفاوتی برای استدلال بود. این منطق، با منطق سنتی فقهای سلف متفاوت است. این منطق، مبنای معرفی روش کشف و تفکیک میان مکتب و علم اقتصاد قرار گرفته است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که رویکرد ایشان، شباهت بسیاری به روش‌شناسی *کانت* در به کارگیری قیاس‌های استعلایی برای تحقق شرایط امکان تجربه و وحدت سیستمی علم دارد. در این زمینه، شهید صدر مکتب اقتصاد اسلامی را به‌عنوان وحدت سیستمی، مجموعه‌ای از گزاره‌ها و به‌عنوان شرط امکان علم اقتصاد اسلامی، بازسازی می‌کند. در این بازسازی، ایشان مجموعه احکام فقهی را به‌عنوان داده به کار می‌گیرد، تا با مفروض گرفتن صدق این داده‌ها در یک روش بازگشتی به نام «قیاس استعلایی»، به اصول و قواعد مکتبی برسد؛ اصول و قواعدی که اقتصاد اسلامی در چارچوب آن امکان‌پذیر می‌شود.

آقائیزی (۱۳۸۹)، در تحقیق خود با عنوان «روش‌شناسی تمایز اقتصاد اثباتی و هنجاری و بازنگری آن در راستای نظریه‌پردازی علم اقتصاد اسلامی»، به تبیین چستی منشأ تفاوت دو مقوله اقتصاد اثباتی و هنجاری و چگونگی ارتباط منطقی آن دو پرداخته است. با توجه به نوع ارتباط بین این دو مقوله، می‌توان خاستگاه نظریه‌پردازی علم اقتصاد اسلامی را تعریف کرد.

مشهدی/حمد و همکاران (۱۳۹۰)، در تحقیقی با عنوان «نقدی بر روش‌شناسی اقتصاد مرسوم»، با استفاده از روش تحلیل متنی، به پاسخ این دو پرسش پرداخته‌اند: آیا مبانی روش‌شناختی اقتصاد مرسوم، می‌تواند به تحلیل مبتنی بر واقعیات از پدیده‌های اقتصادی منجر شود؟ آیا می‌تواند اهداف مورد نظر اقتصاددانان مرسوم را تحقق بخشد؟ نتایج تحقیق نشان می‌دهد که روش‌شناسی اقتصاد مرسوم، در دو سطح متافیزیکی و فنی، ضعف‌ها و کاستی‌های اساسی دارد، به نحوی که نمی‌تواند مبنای مناسبی، برای هدایت پژوهش‌های اقتصادی باشد.

خان (۱۹۸۷)، در مقاله‌ای با عنوان «روش‌شناسی اقتصاد اسلامی»، با هدف نشان دادن تفاوت‌های روش‌شناسی علم اقتصاد اسلامی و علم اقتصاد، به دو سؤال اصلی پرداخته است: اولاً، چرا پرداختن به موضوع روش‌شناسی، به خصوص در علم اقتصاد اهمیت دارد. ثانیاً، نیاز علم اقتصاد اسلامی به روش‌شناسی چیست؟

انس زرقا (۲۰۰۳)، در مقاله خود با عنوان «اسلامی کردن علم اقتصاد: مفهوم و روش‌شناسی»، درصدد پاسخ به این پرسش است که تجزیه و تحلیل اقتصادی، تا چه حد از ارزش‌های خود محققان متأثر بوده و این تأثیرپذیری از کدامین مسیرها صورت می‌پذیرد. مؤلف پس از پرداختن به چستی علم، سه جزء اساسی علم اقتصاد را، پیش‌فرض‌ها، دآوری‌های ارزشی اندیشه‌ور اقتصاددان و بخش اثباتی آن، که به وصف واقعیت می‌پردازد، می‌داند. با توجه به این سه جزء، چهار مسیر برای امکان ورود ارزش‌ها در تحلیل‌های اقتصادی به وسیله مؤلف معرفی شده است. این مقاله، مقایسه‌ای - تطبیقی، بین اقتصاد اسلامی و اقتصاد متعارف است. پس از بیان نمونه‌هایی از ورود ارزش‌ها در اقتصاد اسلامی، نتیجه می‌گیرد که اقتصاد اسلامی از چهار جزء اساسی به دست می‌آید: ارزش‌های به دست آمده از قرآن، سنت و منابع مرتبط با آن؛ قضایای اثباتی که از طریق علم اقتصاد سنتی وارد علم اقتصاد اسلامی خواهد شد. قضایای اثباتی که از طریق قرآن و سنت وارد علم اقتصاد اسلامی می‌شود، و روابطی که مسلمانان و دیگران، ممکن است از طریق مشاهدات، تحلیل و تجزیه کشف کنند. مهم‌ترین دستاورد این مقاله، این فرضیه است که اقتصاد اسلامی، پدیده‌های اقتصادی را در سراسر جامعه بشری، اعم از اسلامی یا غیراسلامی مطالعه می‌کند و محدود به مطالعه و تحلیل روابط در جامعه مطلوب اسلامی نیست.

چارچوب نظری تحقیق

روش تحقیق در علوم اجتماعی، ماحصل تاریخی است که در جوامع مدرن به وقوع پیوست. جامعه مدرن در ابتدای حرکت خود در قرون ۱۸ و ۱۹، پیشرفت‌های خیره‌کننده‌ای در عرصه علوم تجربی، فنی و نیز در

عرصه فناوری تجربه نمود. این پیشرفت‌ها، با وقوع خود نوید یک جامعه آرمانی و بی‌مشکل را می‌دادند، غافل از اینکه تغییرات جدید، مسائل و مشکلات جدیدی را باخود به همراه می‌آورد که نیازمند چاره‌اندیشی‌هایی نوینی است. تأسیس کارخانجات در شهرها، مهاجرت مردم از مکان‌های مختلف به شهر، آلودگی شهرها، تأمین امنیت در شهرهای شلوغ و لزوم پذیرش قانون شهر به دست مردم جدید الوورد و خیابان خواب‌ها و... اندکی از انبوه مشکلات جدید بود. بدین منظور، علوم اجتماعی برای حل این معضلات به تدریج رشد کرد. لازم بود ابتدا این مشکلات به درستی شناخته شوند. برای اینکه مشخص شود کدام سخن، شناخت صحیح‌تری از مسایل اجتماعی به دست داده است، به مجموعه‌ای از قواعد و معیارها نیاز بود، تا سخن صحیح را از سخن ناصحیح تمییز دهد. روش تحقیق، روش درست اندیشیدن و درست پرداختن به مسایل پیش‌روی انسان‌هاست (صنعتی، ۱۳۹۴، ص ۱).

روش شناخت علمی، سیستمی از دستورالعمل‌های صریح و روشنی است که تحقیق، بر آنها مبتنی است و ادعا برای علم بودن، به وسیله همان دستورالعمل‌ها ارزیابی می‌شود. دستورالعمل‌های مزبور، دایماً در حال بهبود و پیشرفت هستند. دانشمندان در جستجوی روش‌ها و فنون جدید مشاهده، استنباط، تجزیه و تحلیل و تعمیم هستند. همانطور که این فنون توسعه می‌یابند و با فرضیات علم تطبیق می‌کنند، جزو دستورالعمل‌های روش تحقیق علمی قلمداد می‌شوند. این دستورالعمل‌ها، در واقع کار دانشمندان علوم اجتماعی را حداقل از دو نقطه نظر تسهیل می‌کنند: اول اینکه، آشنایی با روش علمی، زمینه ارتباطات میان آنها را در درک مشترک فراهم می‌سازد. دوم اینکه، با این روش می‌توانند قوانین علیت را کشف کنند (ایران نژاد پاریزی، ۱۳۸۲، ص ۱۸). به اجمال می‌توان گفت: روش تحقیق هماهنگ کننده تلاش‌های علمی در جهت پارادایم علوم جدید است.

فارغ از اختلاف نظرهای موجود در روش تحقیق علمی در میان دانشمندان این حوزه، چارچوب نظری به عنوان یکی از اجزای اصلی تحقیق‌های علمی مورد توافق می‌باشد. چارچوب نظری تحقیق، که از آن با عناوین دیگری چون طرح نظری مسئله تحقیق، الگوی تبیینی تحقیق، چارچوب مرجع یا چارچوب داوری نیز یاد شده، در گفتار صاحب‌نظران با عبارتهای متفاوتی تعریف شده است. می‌توان این اصطلاح را با بیانی ساده این گونه تعریف کرد: «چارچوب نظری تحقیق عبارت است از نظریه‌ای که از سوی پژوهشگر، مناسب با مسئله پژوهش تشخیص داده شده و طبعاً توسط وی برای تحلیل داده‌ها بر اساس اصول و قواعد آن نظریه، انتخاب شده باشد» (دستی، ۱۳۸۹، ص ۲۶-۲۷).

بر اساس برخی تعریف‌ها، چارچوب نظری عبارت است از: «شیوه خاصی از نگرستن به زندگی انسان، که طی آن، فرض‌های خاصی درباره ماهیت واقعیت اجتماعی (روابط اجتماعی) عرضه می‌شود» (بیبی، ۱۳۸۱، ص ۹۸).

برخی نیز گفته‌اند: «طرح نظری مسئله تحقیق، نگرش یا چشم‌انداز نظری است که تصمیم‌گرفته می‌شود برای بررسی مسئله‌ای، که در پرسش آغازی [سؤال اصلی] طرح شده است، پذیرفته شود». دیگری چارچوب نظری را اینگونه معرفی کرده است: «عینکی برای نگرستن و تفسیر کردن حوادث در جهان اجتماعی» (دشتی، ۱۳۸۹، ص ۲۷). چارچوب نظری تحقیق، مجموعه نظری و ابعاد مختلف آن است که تحقیق از لحاظ منطقی به آن اتکا دارد (عزتی، ۱۳۸۳، ص ۹۱).

محقق یا از میان دیدگاه‌های موجود، یکی را که از همه با موضوع تحقیقش بیشتر مناسبت دارد، انتخاب می‌کند، یا نگرشی را کاملاً به صورتی نو ارائه می‌دهد (ایران نژاد پاریزی، ۱۳۸۲، ص ۴۲). باید توجه داشت که ارائه نظریه جدید و ساختن یک چارچوب نظری نو، کاری بسیار دشوار است و از عهده محققان تازه کار و حتی در بسیاری موارد، از عهده افراد با تخصص و تجربه زیاد نیز ساخته نیست. تنها افرادی می‌توانند در این راه گام بردارند که هم در تحقیق دارای تجربه کافی باشند و هم از لحاظ علمی و نظری و نیز استعداد فکری دارای توانایی‌های لازم باشند (عزتی، ۱۳۸۳، ص ۹۲).

در یک جمع‌بندی از گفتار صاحب‌نظران، فایده‌های به کارگیری چارچوب نظری در پژوهش را می‌توان در محورهای زیر خلاصه کرد:

۱. شفاف‌سازی ابعاد و زوایای مسئله تحقیق و مفاهیم مرتبط با آنها؛
۲. پرتوافکنی به ماهیت حیات اجتماعی و ترسیم ساز و کار کلی پیدایش پدیده‌ها و حوادث اجتماعی و معرفی عوامل تأثیرگذار در روند تحولات جامعه و متقابلاً، اصلاح ذهنیت‌های توهمی و پیش‌داورانه در خصوص چگونگی شکل‌گیری حوادث و فرآیندهای اجتماعی و عوامل مؤثر در روند تحولات جامعه؛
۳. راهنمایی پژوهشگر در حین پژوهش، برای گردآوری اطلاعات ارزشمند و مؤثر در شناخت و تحلیل پدیده‌های اجتماعی.

۴. ارائه الگویی منسجم برای چگونگی تحلیل داده‌ها و اطلاعات گردآوری شده (دشتی، ۱۳۸۹، ص ۳۰).
- تئوری‌های موجود در علوم اجتماعی، عمدتاً در کشورهای غربی و بر اساس مسائل و روابط علی موجود و نظام ارزشی آن جوامع ابداع شده‌اند، از این رو، این تئوری‌ها همیشه برای کشف و تبیین مسائل کشورهای جهان سوم مناسب نیستند. ممکن است با الگو قراردادن این تئوری‌ها در پژوهش، برخی علل مسائل در جهان سوم دیده نمی‌شود، یا میزان تأثیرگذاری آن علل اشتباه ارزیابی می‌شود و یا اساساً چیزهایی که علت مسئله نیست، به غلط علل مسئله معرفی می‌گردد و نهایتاً، پژوهشگر به نتایج شناختی اشتباهی می‌رسد (رفیع‌پور، ۱۳۸۲، ص ۱۴-۱۵). کاستی دیگری که در زمینه انتخاب یک چارچوب نظری فراروی پژوهشگران،

به ویژه پژوهشگران شرقی و مسلمان قرار دارد، این است که در حوزه علوم انسانی و اجتماعی برخلاف علوم طبیعی، تئوری‌های علمی، کم و بیش تحت تأثیر ارزش‌ها و مبانی فکری و فرهنگی عرضه کنندگان آنها قرار دارد. در چنین شرایطی، طبیعی است که این تئوری‌ها، به هر میزان که متأثر از مبانی فکر و فرهنگی و ارزش‌های پردازشگران آنها باشد، از نگاه پژوهشگران سایر جوامع و دیگر فرهنگ‌ها، واقع نما تلقی نگردد و پذیرفته نشود (دشتی، ۱۳۸۹، ص ۳۲).

روش تحقیق

علاوه بر روش کتابخانه‌ای، که در تدوین پیشینه تحقیق و چارچوب نظری از آن استفاده شده است، در بخش تجربی تحقیق از آمار توصیفی استفاده شده است. در این مقاله، برای آزمون فرضیه اصلی تحقیق، مبنی بر فقدان چارچوب نظری اسلامی در تحقیقات مربوط به اقتصاد اسلامی، مقاله‌های پنج شماره دو نشریه «اقتصاد اسلامی» و «مطالعات اقتصاد اسلامی»، به عنوان نمونه مورد مطالعه انتخاب شده‌اند. تعداد مقاله‌ها مورد مطالعه مجموعاً ۶۲ مقاله است.

نتایج مطالعه موردی

اطلاعات مقاله‌ها دو نشریه انتخاب شده، بر اساس دو معیار: دارا بودن چارچوب نظری (تصریح چارچوب نظری مورد استفاده)؛ و اسلامی بودن چارچوب نظری تصریح شده؛ استخراج شده و در جدول ۱ خلاصه شده است. در خصوص معیار اول، در مواردی که چارچوب نظری به صورت صریح در مقاله ذکر شده است، تحت عنوان «تصریح شده» و در موارد غیر مصرح، تحت عنوان «تصریح نشده» شماره شده‌اند. البته این انتقاد نظری، به عنوان یک محدودیت تحقیق وارد است که اگر محقق به روشنی در مقاله و گزارش تحقیق خود، به چارچوب نظری اشاره نکند، خواسته یا ناخواسته چارچوبی نظری داشته است. اما بازتاب آن ممکن است در بخش‌ها یا مراحل مختلف تحقیق نمود پیدا کند. مثلاً چارچوب نظری، ممکن است خود را در روش‌شناسی تحقیق نشان دهد.

قضاوت برای اسلامی یا غیر اسلامی بودن چارچوب نظری تصریح شده، کار بسیار دشواری بود. برای اینکه چارچوب نظری تصریح شده، اسلامی تلقی شود یک رویکرد سهل‌انگارانه اتخاذ شد و چارچوب‌هایی که صریحاً غیر اسلامی نبودند، به عنوان چارچوب‌های اسلامی لحاظ شده‌اند. علت این رویکرد، تعداد اندک مقالاتی بود که مشتمل بر یک چارچوب نظری اسلامی بودند. در مواردی که مبانی نظری از دیدگاه اسلامی و متعارف مطرح شده بود، تحت عنوان چارچوب تطبیقی طبقه‌بندی شده است. البته توجه به این

نکته ضروری است که در عمده موارد تطبیقی، غلبه با پارادایم علم رایج است و معمولاً نظریات اسلامی در سابقه نظریات متعارف مطرح و بحث شده‌اند.

جدول ۱: نتایج بررسی چارچوب نظری مقاله‌ها مورد مطالعه

کل	مطالعات اقتصاد اسلامی	اقتصاد اسلامی	
۴۴	۲۱	۲۲	چارچوب نظری تصریح شده
۱۸	۱۰	۸	چارچوب نظری تصریح نشده
۱۰	۵	۵	چارچوب نظری اسلامی
۱۸	۹	۹	چارچوب نظری تطبیقی

منبع: پژوهش‌های تحقیق

نتایج بررسی کلی چارچوب نظری مقاله‌های مورد مطالعه، نشان می‌دهد که از بین ۶۲ مقاله مورد بررسی، در ۴۴ مقاله چارچوب نظری تصریح شده است. تعداد ۱۸ مقاله، مورد بررسی چارچوب نظری تصریح نشده است که حدود ۲۹ درصد مقاله‌ها را شامل می‌شوند. نسبت چارچوب‌ها نظری اسلامی، به کل مقاله‌ها حدود ۱۶ درصد و نسبت آنها به مقاله‌هایی که چارچوب نظری تصریح شده دارند، ۲۳ درصد می‌باشد. همین نسبت‌ها، در خصوص چارچوب نظری تطبیقی به ترتیب، حدود ۲۹ درصد و ۴۱ درصد می‌باشد. اگر نسبت مجموع چارچوب‌های نظری اسلامی و تطبیقی را در نظر بگیریم، نسبت فوق به حدود ۴۵ درصد و ۶۴ درصد می‌رسد.

هرچند نسبت‌های ۱۶ درصد و ۲۳ درصد، در خصوص چارچوب‌های نظری اسلامی، به کل مقالات و مقالات دارای چارچوب نظری خود، فی نفسه چندان مطلوب نیستند، تحلیل و بررسی چارچوب‌های نظری اسلامی مورد استفاده، حاوی نکات شایان توجه دیگری است که در ادامه مورد اشاره قرار می‌گیرند.

تحلیل چارچوب‌های نظری اسلامی در مطالعه موردی

همان طور که نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد، کمتر از یک چهارم مقاله‌هایی که چارچوب نظری تصریح شده دارند، مبتنی بر یک چارچوب نظری اسلامی می‌باشد. باتوجه به اینکه در بررسی کلی چارچوب‌های نظری با توجه به محدودیت‌های تحقیق، برخی چشم‌پوشی‌ها ناگزیر بود، تحلیل جزئی‌تر هریک از دسته‌بندی‌ها، نتایج در خور توجهی را نشان می‌دهد. اگر ده شماره مورد مطالعه را در نظر بگیریم، به طور میانگین در هر شماره، تنها یک مقاله با چارچوب صرفاً اسلامی (بدون در نظر گرفتن کم و کیف آن) وجود داشته است. چارچوب‌های نظری اسلامی ارائه شده در نمونه مورد مطالعه، در جدول ۲ خلاصه شده است.

جدول ۲- چارچوب‌های نظری مورد استفاده در نمونه مورد مطالعه

ردیف	چارچوب نظری	شماره نشریه	عنوان نشریه
۱	اصول حاکم بر عدالت اقتصادی-اجتماعی در عهدنامه مالک اشتر	۶۳	اقتصاد اسلامی
۲	اعتبارات علامه طباطبایی	۶۳	اقتصاد اسلامی
۳	مذهب اقتصادی اسلامی	۶۲	اقتصاد اسلامی
۴	وقف	۶۲	اقتصاد اسلامی
۵	فقه الاقتصاد	۵۹	اقتصاد اسلامی
۶	بانکداری بدون ربا- حرمت ربا	۱۶	مطالعات اقتصاد اسلامی
۷	مالیات اسلامی	۱۵	مطالعات اقتصاد اسلامی
۸	بیع دین	۱۵	مطالعات اقتصاد اسلامی
۹	تجارت خارجی در اقتصاد اسلامی	۱۳	مطالعات اقتصاد اسلامی
۱۰	زکات	۱۲	مطالعات اقتصاد اسلامی

منبع: پژوهش‌های تحقیق

علاوه بر نسبت پایین چارچوب‌های نظری اسلامی ارائه شده در مقاله‌ها به کل مقاله‌ها، این چارچوب‌ها در مورد مطالعه، حداقل با پنج چالش اساسی ذیل مواجه‌اند که آنها را از ایفای مناسب نقش خود، در پژوهش باز داشته است.

۱. باقی ماندن در سطح تبیین

برخی از مقاله‌هایی که شامل چارچوب‌های نظری اسلامی هستند، به دنبال تبیین یک چارچوب نظری هستند. اساساً این نوع مقاله‌ها، به لحاظ روش‌شناسی و نوع تحقیق، در سطح نظریه تعریف شده‌اند و به سطح متغیر و تبیین روابط آنها بر اساس چارچوب نظری مختار توسعه نیافته‌اند. از جمله مقاله‌های ردیف‌های ۳ و ۵، با این چالش مواجه بوده‌اند. محققان در این مقاله‌ها، به دنبال تبیین نظری از مذهب اقتصادی و فقه الاقتصاد و نقش و جایگاه آن می‌باشد و به سراغ آزمون و تبیین نظری آنچه نظریه و چارچوب نظری خوانده می‌شود، نرفته است. زمانی که یک چارچوب نظری با چالش تجربی محک نخورده باشد، اعتبار و کارایی آن قابل اعتماد نخواهد بود. مقاله ردیف دهم نیز وضعیت مشابهی دارد و پس از پرداختن به ادبیات نظری زکات، اقدام مؤثر دیگری، که به معنی به کار گرفتن چارچوب نظری ارائه شده در عمل باشد، صورت نگرفته است.

۲. عدم ارتباط و تناسب

چارچوب نظری عهده‌دار تبیین روابط بین متغیرها و توجیه یافته‌های تجربی است. علاوه بر این، باید پژوهشگر را در انتخاب داده‌ها و متغیرها راهنمایی نماید. در مقالات ارائه شده، هرچند چارچوب نظری مطرح شده است، ولی در ادامه کاملاً کنار گذاشته شده است و وجود یا عدم آن در مقاله تقریباً هیچ اثری در نتایج و تحلیل‌های ارائه شده نداشته است. این چالش، در خصوص مقاله ردیف ششم مشهود است که در قالب چارچوب نظری بانکداری بدون ربا، تلاش کرده است عوامل مؤثر بر سود خالص را شناسایی و ارزیابی نماید.

یک علت محتمل بر این چالش، تأکید ارزیابان و تحریریه نشریه برای گنجاندن چارچوب نظری در تحقیقات است که حداکثر اثر عملی آن، فراهم کردن چارچوبی نظری هرچند اسلامی، ولی بدون ارتباط به کل تحقیق می‌باشد. در واقع، می‌توان این ادعا را مطرح کرد که در چنین تحقیق‌هایی، چارچوب نظری مختار، چیزی غیر از چارچوب نظری مورد ادعا و تصریح شده می‌باشد که باید از لابلای تحقیق به آن دست یافت.

۳. مفهوم یا نهاد به جای نظریه

برخی تحقیق‌های مورد مطالعه مفهوم یا نهاد خاصی را به جای چارچوب نظری به کار گرفته بودند؛ نهادهایی همچون زکات و وقف از جمله آنها می‌باشد. باید توجه کرد که چارچوب نظری، نظریه واحد یا مجموعه‌ای از نظریات و تئوری‌هاست که بتواند تبیین روشنی، از نتایج و متغیرها و روابط ایجاد نماید.

نکته حایز اهمیت در خصوص این چالش اینک، عمده تحقیق‌هایی که با این چالش مواجه هستند، برای اینکه بتوانند خود را در قالب یک تحقیق علمی و مقاله پژوهشی پیکربندی نمایند، چاره‌ای جز قرار گرفتن در چارچوب‌های نظری غیر اسلامی ندارند. در خصوص مقاله ردیف چهارم، که با این چالش مواجه شده است، محقق پس از تبیین وقف و جایگاه آن در اسلام، این نهاد را در چارچوب اقتصاد بخش سوم هضم نموده است.

۴. محدودیت ابزار و روش

در مواردی به رغم اینکه چارچوب نظری به صورت اسلامی تبیین شده است و کما بیش قوت تبیین و تفسیر را هم دارد، ولی به دلیل محدودیت در ابزار و متغیرهای قابل آزمون دیگر، توان ادامه مسیر پژوهش میسر نیست. مقاله ردیف اول را می‌توان مصداق این چالش دانست. در واقع، در این مورد چارچوب نظری به دست ابزار و روش ذبح می‌شود. البته این به معنی کنار گذاردن کلیه روش‌های علمی متعارف نمی‌باشد، ولی رعایت تسلط پارادایمی و مدیریت پژوهش در یک فضای اسلامی، ضروری است.

۵. طراحی نه پژوهش

طراحی یک الگوی جدید، به دنبال نشان دادن امکان فنی یک محصول جدید است و نوعی، مطالعه امکان سنجی است که خود نوعی روش تحقیق، به ویژه در علوم مهندسی و مدیریت صنعتی می‌باشد. به طور عمومی، یک امکان سنجی فنی، با یکی از دو مسئله انتخاب یا طراحی مواجه است که بسته به شرایط مطالعه امکان سنجی، می‌باید پاسخ مناسب آن ارائه شود.

سایمون (۱۹۹۶)، در کتاب «علوم مصنوعات» (The sciences of the artificial)، با تأکید بر دوگونه گزاره اثباتی و دستوری در علوم مختلف، رویکرد بهینه‌سازی را متأثر از رویکرد اکتشافی و اثباتی می‌داند. در مقابل، معتقد است: بسیاری از موضوعات اقتصادی از جنس اثباتی نبوده وهنجاری هستند و باید به صورت یک مسئله طراحی و مهندسی لحاظ شوند.

وی تفاوت علوم طبیعی و علم مصنوعات، یا همان طراحی را چنین بیان می‌کند: «درحالی که علوم طبیعی به دنبال بیان، تفسیر و توضیح آنچه هست می‌باشد، طراحی (علم مصنوعات)، با خلق و ارائه مصنوعات برای برآوردن اهداف، به دنبال بیان و تشریح آنچه باید باشد، است» (سایمون، ۱۹۹۶، ص ۱۱۴).

در یک مسئله طراحی، در واقع محقق به دنبال بیان روابط بین اجزا و نشان دادن نسبت آن با دنیای پیرامونی است و غالباً طراح با ایجاد روابطی بین اجزا، سازمان و دستگاهی ترسیم می‌کند که تحت آن، روابط با محیط بیرونی تعامل می‌کند و کارکردی خاص می‌آفریند. تلاش برای قراردادن اینگونه تلاش‌های علمی، در قالب پژوهش‌های علمی متعارف، حتی در خصوص تحقیق‌های غیر اسلامی نیز موجب انحراف تحقیق و تلاش علمی از مسیر اصلی خود می‌شود و در اغلب موارد، اجزای نامرتبلی را در متن پژوهش موجب می‌شود. در مواردی که تحقیق مشتمل بر یک طراحی یا امکان‌سنجی فنی مبتنی بر مهندسی است، باید از روش‌های تحقیق مربوط به علم مهندسی و طراحی استفاده نمود.

این چالش، در خصوص مقاله‌های ۸ و ۹ مصداق دارد؛ چرا که محقق تلاش کرده است تحقیق خود را در قالب یک پژوهش علمی پیکربندی نماید؛ در حالی که تحقیق مزبور مانند ساختن یک ماشین و یا دستگاه جدید عمل کرده است. این تغییر قالب گزارش‌دهی و پیکربندی در چارچوبی غیر مناسب، موجب می‌شود که تلاش علمی از مسیر اصلی خود منحرف شود. معمولاً در پژوهش‌های علمی، به دنبال آزمون فرضیه‌ها بر اساس یک چارچوب نظری مدون هستند. از آنجایی که طراحی و علم مهندسی، متفاوت از پژوهش متعارف است، باید نگاه‌های متفاوتی در پیکربندی و حتی نشر آنها وجود داشته باشد.

نتیجه گیری

اگر اقتصاد اسلامی غیر از اقتصاد متعارف است و در جهات مختلف از جمله اهداف، کارکردها و روش‌ها با سایر اقتصادها تفاوت می‌کند، نمی‌توان انتظار داشت بدون چارچوب نظری و مبانی روشی منسجم، فرصت ظهور و بروز پیدا نماید.

از آنجا که روش تحقیق، عهده‌دار نظام بخشی و مدیریت تحقیق‌های علمی امروزی است، بدون نیاز به استدلال می‌توان به این نتیجه رسید که با استفاده از روش تحقیق‌های علمی، همه تلاش‌های محققان و دانشوران اسلامی نیز در جهت توسعه علوم مدرن تنظیم و هدایت خواهند شد. از این‌رو، برای رسیدن به اقتصاد اسلامی، پرداختن به روش‌شناسی اقتصاد اسلامی، امری اجتناب‌ناپذیر است تا بتوان از این رهگذر، زمینه‌سازی گسترش این رشته علمی شد.

چارچوب نظری به عنوان یکی از اساسی‌ترین عناصر روش تحقیق، نقشی تعیین‌کننده در تبیین متغیرها و نتایج دارد، در تحقیق‌های اقتصاد اسلامی بسیار مغفول مانده است. هرچند علت آن را می‌توان به ضعف عمومی در روش‌شناسی اقتصاد اسلامی نسبت داد، ولی با توجه به نقش خاص چارچوب نظری در تحقیق، ضروری بود که چالش‌های آن، به صورت موردی مورد بررسی قرار گیرد. چارچوب نظری، در واقع عینکی است که محقق از پس آن، به واقعیت اقتصادی نگاه می‌کند. روشن است که هر عینکی، تفسیر متفاوتی از واقعیت ارائه می‌دهد که نتایج و یافته‌های متفاوتی نیز نتیجه خواهد داد.

هرچند مطالعه موردی ۶۲ مقاله دو نشریه «اقتصاد اسلامی» و «مطالعات اقتصاد اسلامی»، به صراحت فرضیه تحقیق مبنی بر فقدان چارچوب‌های نظری، در تحقیق‌های اقتصاد اسلامی را نمی‌تواند تأیید نماید ولی نشان‌دهنده کاستی‌های اساسی در نحوه کاربست چارچوب نظری در تحقیق‌های مربوط به اقتصاد اسلامی است. کمتر از یک چهارم مقاله‌هایی که دارای چارچوب نظری تصریح شده بودند، مبتنی بر چارچوب‌های نظری اسلامی بودند. از ده مقاله که دارای چارچوب نظری اسلامی بودند، دو مقاله در سطح پژوهش نظر باقی مانده بودند و حداکثر به تبیین یک چارچوب نظری پرداخته بودند. دو مقاله نهادی اسلامی را به جای چارچوب نظری استفاده کرده بودند و دو مقاله نیز در مقام طراحی بودند که باید بر اساس منطق مهندسی، پیکربندی می‌شدند. یک مقاله نیز چارچوب نظری اسلامی را به دلیل رعایت استانداردها به کار برده بود که ارتباطی به تبیین مدل و تفسیر نتایج و سایر بخش‌های مقاله نداشت.

این نتایج نشان داد که چارچوب‌های نظری استفاده شده در نمونه مورد بررسی، به عنوان یکی از اصلی‌ترین عناصر روش تحقیق، که بیشترین تأثیر را از ایدئولوژی و مکتب دارد و بر اساس آرای

دانشمندان روش‌شناسی باید بر اساس مقتضیات بومی و مکتبی بازنویسی گردند، موفقیت و کارایی چندانی ندارند.

به نظر می‌رسد، برای برون رفت تحقیقات اقتصاد اسلامی، از چالش روش‌شناسی و به طور خاص، چالش چارچوب نظری و به کارگیری کارآمدتر تلاش‌های علمی در جهت توسعه پارادایمی و علمی اقتصاد اسلامی، لازم است روش‌شناسی مناسب و عملیاتی ارائه و مورد استفاده عمومی قرار گیرد. نقش انجمن‌های حرفه‌ای اقتصاد اسلامی و تحریریه نشریات مرتبط و همچنین، سیاست‌گذاری نشریه‌های علمی مربوط توسط وزارت علوم بسیار حایز اهمیت است.



منابع

- ایران نژاد پاریزی، مهدی، ۱۳۸۲، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، تهران، نشر مدیران.
- عزتی، مرتضی، ۱۳۸۳، *روش تحقیق در علوم اجتماعی کاربرد در زمینه مسایل اقتصادی*، تهران، نورالعلم.
- آقانظری، حسن، ۱۳۸۹، «روش‌شناسی تمایز اقتصاد اثباتی و هنجاری و بازنگری آن در راستای نظریه‌پردازی علم اقتصاد اسلامی»، *روش‌شناسی علوم انسانی*، ش ۶۴ و ۶۵ ص ۳۳-۴۱.
- _____، ۱۳۸۸، «روش‌شناسی شهید صدر درباره شکل‌گیری علم اقتصاد اسلامی و تحقیق نهایی درباره آن»، *روش‌شناسی علوم انسانی*، ش ۶۱ ص ۵۱-۶۱.
- مشهدی احمد، محمود و همکاران، ۱۳۹۰، «فقدی بر روش‌شناسی اقتصاد مرسوم»، *برنامه‌ریزی و بودجه*، ش ۲، ص ۹-۳۰.
- امیری طهرانی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳، «تقد روش‌شناسی اقتصاد اسلامی شهید صدر از دیدگاه واقع‌گرایی انتقادی»، *روش‌شناسی علوم انسانی*، ش ۷۸، ص ۷-۳۱.
- صنعتی، حسین، ۱۳۹۴، *آمار و روش تحقیق*، تهران، مدرسان شریف.
- دشتی، محمد، ۱۳۸۹، «چارچوب نظری، زوایا و بایسته‌های آن»، *تاریخ اسلام در آینه پژوهش*، ش ۲۵، ص ۲۳-۴۹.
- بی، ارل، ۱۳۸۱، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه رضا فاضل، تهران، سمت.
- رفیع‌پور، فرامرز، ۱۳۸۲، *تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی*، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- رستم‌نژاد، مهدی و همکاران، ۱۳۸۸، «روش‌شناسی مطالعات اقتصاد اسلامی با تأکید بر مطالعات قرآنی»، *قرآن و علم*، ش ۴، ص ۳۳-۶۴.
- Simon, Herbert A. (1996), *The Sciences of the Artificial*, 3rd ed., MIT Press, Cambridge, Massachusetts.
- Anas Zarqa, M. (2003), *Methodology of Islamic Economics*, *Journal of Islamic Economics*, Vol. 16, No. 1, pp. 3-42.